

قاعده انجبار ضعف سند با عمل مشهور^۱

محمد زروندی رحمانی^۲

چکیده

قاعده جبر ضعف سند روایت با عمل مشهور، از قواعد محوری دانش اصول به شمار می‌آید و در استنباط احکام شرعی تأثیر به‌سزایی دارد؛ زیرا باعث می‌شود صدها روایت ضعیف و غیر معتبر در سلسله روایات معتبر قرار گیرد. بر اساس این قاعده، اگر شخصی در سند روایت ضعیفی که مشهور بر مبنای مسلک و ثوق مخبری به آن عمل کرده‌اند، در ده‌ها سند روایات دیگر قرار گیرد، محکوم به اعتبار است، هر چند مشهور به آن روایات عمل نکرده باشد. با توجه به این جایگاه بسیاری از زوایای قاعده یا مورد بحث واقع نشده و یا کمتر بحث شده است. از باب نمونه؛ شرط قاعده، عمل مشهور قدامت و یا مشهور متأخران و یا این که قاعده مختص روایات ضعیف السند شیعه است که روایات اهل سنت را نیز فرا می‌گیرد. در این نوشته اهمّ شرایط، مصادیق و آثار قاعده بر اساس دو مبنای مشهور و ثوق مخبری و وثوق خبری مورد بحث واقع شده و در پایان به این نتیجه رسیده که پاسخ مثبت و یا منفی پرسش‌هایی که پیرامون شرایط و مصادیق مطرح است، بر اساس هر یک از دو مسلک، مختلف خواهد بود.

کلید واژه‌ها: قاعده انجبار؛ عمل مشهور فقها؛ جبر ضعف سند؛ وثوق مخبری؛ وثوق

خبری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۶

۲. مدرس خارج فقه و اصول، دانشیار و مدیر گروه فقه‌العبادة، مدرسه تخصصی فقه وابسته به جامعة المصطفی العالمیة، رایانامه: mzarvandi2@gmail.com

مقدمه

فقه شیعه از منظرهای گوناگون بر دیگر مکتب‌های حقوقی برتری‌های فراوانی دارد، از جمله دستگاه اجتهاد کارآمد، به روز، قابل انطباق بر زمان‌ها و شرایط مختلف را می‌توان نام برد. از جمله عناصر اصلی دستگاه اجتهاد، دانش اصول فقه است که مانند منطق فهم فقه به‌شمار می‌آید. تأثیر قواعد اصول در استنباط احکام شرعی یکسان نیست، برخی از آن‌ها نقش محوری دارد، مانند قاعده جبر ضعف سند روایت ضعیف به عمل مشهور. این قاعده در صورت تأیید و قبول، نه تنها روایت ضعیفی که به آن عمل شده محکوم به حجیت می‌کند، بلکه طبق بعضی از مبانی (وثوق صدوری) صدها روایت دیگر را نیز در قلمرو حجیت قرار می‌دهد؛ زیرا طبق این مبنا، عمل مشهور، نوعی توثیق عملی راویان ضعیف در روایت به شمار می‌آید و نه تنها در آن روایت، حکم راوی ثقه را دارد بلکه در هر روایت دیگری که واقع شود، هر چند مشهور به آن روایت نیز عمل نکرده باشند، حکم راوی ثقه را دارد.

از سوی دیگر، هر چند این قاعده از گذشته‌های دور در نوشته‌ها و درس‌های فقه و اصول مطرح بوده ولی جوانب مختلف آن همچنان مبهم باقی مانده و پرسش‌های مختلفی درباره شرایط و قلمرو آن مطرح است، از باب نمونه آیا بر فرض حجیت قاعده عمل مشهور افزون بر این که جبران ضعف سند می‌کند، جابر ضعف دلالت هم می‌باشد؟ آیا احراز و تحقق استناد عمل مشهور به روایت، تنها از راه تصریح صاحبان فتواست و یا از راه‌های دیگری نیز ممکن است؟ آیا فرقی میان شهرت عملی فقهای متقدم و فقهای متأخر هست یا نه؟ آیا در صورت اختلاف، عمل مشهور فقهای متقدم ملاک است و یا فقهای متأخر؛ زیرا بعضی از معاصران عمل فقهای متأخر را ترجیح می‌دهند؟

آیا عمل مشهور، همان‌گونه که جبران ضعف سند روایات شیعی را می‌کند، جابر ضعف سند روایات اهل سنت هم هست یا نه؟
آیا جبران ضعف سند به عمل فقها به لحاظ مبانی فرق می‌کند، مثلاً حجیت خبر بر مبنای وثوق سندی است و یا وثوق صدوری؟
افزون بر ابهامات و پرسش‌های فوق که بیشتر صبغه کبروی دارد، ابهامات صغروی

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم
بهار ۱۳۹۶

۱۰

نیز در قاعده وجود دارد، به عنوان نمونه: آیا احراز استناد عمل مشهور به روایت ضعیف از نظر صغروی، در عصر ما ممکن است؟ پاسخ برخی از این پرسش‌ها و مانند آن‌ها که درباره قاعده مطرح است یا بحث نشده و یا کمتر بحث شده است، که هدف از این نوشتار را روشن می‌نماید.

جایگاه قاعده

جایگاه این بحث هنگامی روشن می‌شود که بدانیم از منابع چهارگانه، بیشترین نقش و کاربرد را در استنباط احکام شرعی روایات دارد و حجیت روایات نیز متوقف است بر؛ الف) اعتبار سند؛ ب) تمام بودن دلالت روایت بر مدعا؛ ج) روشن بودن جهت روایت.

در اعتبار سند روایت، دو مبنای محوری است که در سعه و ضیق اعتبار روایات، نقش به‌سزایی دارد.

الف - وثوق خبری که گاهی از آن به وثوق صدوری نیز یاد می‌شود، به لحاظ این که ملاک وثوق، عبارت است از اطمینان به صدور خبر و روایت.

ب - وثوق مخبری که گاهی از آن به وثوق سندی تعبیر می‌شود، به سبب این که راوی باید ثقه باشد (خویی، ۱۴۰۳ق، ۴۷/۲۷۹).

طبق مبنای دوم، تنها راه اعتبار روایت عبارت است از: تعدیل و توثیق راوی توسط متخصصان دانش رجال، تحت عنوان توثیقات خاصه و یا توثیقات عامه و راهی جز این برای اثبات اعتبار روایات نیست، مگر استفاضه و یا تواتر که آن‌هم اقسام مختلفی دارد. و اما طبق مبنای اول، چون ملاک اعتبار حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام است، بنابراین راه اعتبار روایات، محدودیت نداشته و قدر متیقن آن، توثیق رجال و رواه در سند است. یکی از آن راه‌ها عبارت است از: عمل مشهور فقها به روایت، هر چند راویان سند هیچ کدام توثیق نشده باشند.

صاحب نظران فقه و اصول، از این روش تعبیر می‌کنند به جبران ضعف سند با عمل مشهور (خویی، ۱۴۰۳ق، ۴۷/۱۶۷). از آن جا که بخش زیادی از روایات ما مرسله، مقطوعه، مضمهره و یا مسند است و همه و یا بعضی از راویان آن توثیق عام و

یا خاص ندارد و از سوی دیگر، فقهای متقدم به بسیاری از این روایات عمل کرده‌اند بنابراین بر اساس این قاعده این روایات حجت و قابل استناد در مقام استنباط‌اند. پرواضح است، تأثیر قابلیت و یا عدم قابلیت استناد در مقام استنباط این روایات در فقه خیلی زیاد است.

از سوی دیگر، اگر بپذیریم که با عمل مشهور، ضعف سند جبران می‌شود، در نیازمندی ما به مباحث علم رجال و نیز مباحث اصول عملیه در اصول تأثیرگذار است و از سوی دیگر، رد قاعده جبران ضعف سند به عمل مشهور سبب می‌شود در بسیاری از موارد در مقابل مشهور مبتلا به اتخاذ رأی برخلاف فتوای مشهور شویم. آنچه ذکر شد، بخشی از ثمرات علمی و عملی قاعده است که بیانگر جایگاه آن در اجتهاد است.

تقریر محل نزاع

در مباحث علمی به‌ویژه دانش‌هایی که اقوال و انظار در آن‌ها مختلف می‌باشد، تقریر محل نزاع، ضروری است. پس توجه به سه نکته در تبیین محل بحث اهمیت دارد:

الف - شهرت در اصطلاح صاحب نظران سه مصداق دارد و پیش از بحث باید روشن شود. مقصود از انجبار ضعف سند با عمل مشهور، آیا تمام مصادیق شهرت مقصود است و یا برخی از آن‌ها؟ در صورت دوم، کدام مصداق، جابر ضعف سند است؟

قسم اول شهرت فتوایی: عبارت است از فتوای مشهور فقها به حکمی از احکام تکلیفی و یا وضعی که مدرک آن برای ما معلوم نیست (خویی، ۱۴۰۳، ق، ۱۶۷/۴۷).

در علم اصول این بحث مطرح است که آیا این شهرت حجت است و به کمک آن فتوا صرف نظر از ادله دیگر حجت می‌شود یا خیر؟ بسیاری از فقها، به‌ویژه قدما بر این باورند که حجت است و برخی از فقهای معاصر قائل به عدم حجیت آن هستند^۱.

در هر صورت، این نوع شهرت از قلمرو موضوع مقاله خارج است و ربطی به انجبار ضعف سند ندارد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم
بهار ۱۳۹۶

۱۲

۱ - آیت‌الله سبحانی از مرحوم آیت‌الله بروجردی نقل کرده که هفتاد مسئله در فقه شیعه فقط مدرکش شهرت فتواییست. (مقدمه المذهب، ج ۲، صفحه ۴)

قسم دوم شهرت روایی: عبارت است از شهرتِ روایت، میان قدمای از محدثان، به گونه ای که آن را در کتاب‌های معتبر حدیثی ثبت کرده‌اند و بیشتر کاربرد این نوع از شهرت، در باب تعارض اخبار است؛ زیرا شهرتِ روایی از جمله مرجحات است که موجب ترجیح یک روایت بر روایت دیگر در باب تعارض است. این نوع شهرت نیز از قلمرو موضوع این مقاله خارج است و صرف شهرتِ روایت، جابر ضعف سند آن نمی‌شود.

قسم سوم شهرت عملی: عبارت است از فتوای مشهور، طبق روایت ضعیف‌السند (خوبی، ۱۴۰۳ق، ۷۸۷/۴۷).

آنچه که به موضوع قاعده جبر ضعف سند به عمل مشهور مربوط است، قسم سوم از شهرت است و قسم اول و دوم از موضوع قاعده، خارج می‌باشد. این قاعده یک صدر دارد که عبارت است از جبر ضعف سند به عمل مشهور و یک ذیل دارد که عبارت است از کسر (ضعیف شدن) سند روایت معتبر به اعراض مشهور و آنچه مورد بحث مقاله می‌باشد، تنها برخی از مباحث صدر روایت است. مباحث صدر قاعده زیاد است، از جمله:

۱- ادله حجیت مبنای وثوق صدوری، مانند: الف- ادله عقلی مبنی بر انسداد باب فقه (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ۴۸۹)؛ (همدانی، ۱۴۱۷ق، ۶۰/۹)؛ ب- سیره عقلا (نائینی، ۱۴۰۹ق، ۲۱۴/۳)؛ ج- آیه نبأ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳۱۲/۱۸).

۲- ادله صحت مبنای وثوق سندی، مانند: الف- سیره عقلا (خوبی، ۱۴۰۳ق، ۲۷۹/۴۷)؛ ب- دلیل عقلی (خوبی، ۱۴۰۳ق، ۲۳۵/۱)؛ ج- آیه نبأ (عاملی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۱).

۳- آثار عملی پذیرش قاعده جبر ضعف سند به عمل مشهور.

۴- آثار عملی رد این قاعده در فقه و دیگر معارف و خیلی از مباحث دیگر.

از آن جا که طرح تمامی این مباحث از حوصله یک مقاله خارج است، این نوشته به اهمّ شرایط، مصادیق و آثار علمی و عملی آن اشاره و مورد بحث قرار داده است. اما مباحث دیگر، از جمله ادله صحت هر یک از دو مبنای وثوق صدوری و وثوق سندی، نیازمند مقاله مستقلی است.

اقوال:

- نسبت جبر ضعف سند روایت ضعیف با عمل مشهور، میان فقها مورد اختلاف است.
- ۱- جبر ضعف سند، مطلقاً. (نظریه مشهور فقها)
 - ۲- عدم جبر ضعف سند مطلقاً. این نظر برخی از بزرگان معاصر از جمله آیت الله خوئی است (خوئی، ۱۴۰۳ق، ۷/۴۷).
 - ۳- تفصیل میان عمل مشهور قدما که جابر ضعیف سند است و عمل متأخرین که جابر ضعیف سند نیست.
 - ۴- تفصیل میان این که اگر عمل مشهور سبب حصول اطمینان به صدور روایت باشد، جابر است و گرنه نیست (شاهرودی، ۱۳۸۵ش، ۴۱۶/۲).
 - ۵- تفصیل میان این که شهرت عملی، اگر موافق قواعد باشد، جابر نیست و اگر مخالف باشد، جابر است. این تفصیل از عبارات محقق نائینی استفاده می شود (محقق نائینی، ۱۴۰۹ق، ۷۸۸/۴).

شرایط:

در این قسمت برخی از شرایط و ارکان مهم قاعده مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- احراز عمل مشهور

پر واضح است، یکی از مقدمات و ارکان قاعده جبر ضعف سند به عمل مشهور عبارت است از؛ احراز عمل مشهور روایت ضعیف. در اصل این مطلب، میان فقها بحثی نیست. آنچه مورد گفتگو و بحث واقع شده، راه های احراز عمل مشهور است. برخی از فقها، از جمله فقیه همدانی بر این باورند که تنها راه احراز، عمل تصریح فقهاست که بر اساس روایت ضعیف فتوا داده اند (همدانی، ۱۴۱۷ق، ۳۹۷/۱۴).

برخی دیگر؛ از جمله آیت الله اشتهاردی معتقد است، لازمه نظریه فوق این است که قاعده جبر ضعف سند، بی مورد و یا کم مورد شود، از این رو راه تحقق این رکن اعم است از تصریح صاحبان فتوا و غیر آن. مثلاً به کمک قرائن خارجی، استناد و عمل مشهور نیز احراز می شود. به نظر می رسد، نظریه دوم به حق نزدیک تر باشد؛ زیرا به کمک قرائن نیز عمل مشهور احراز می شود. از باب مثال، اگر مضمون روایت ضعیف به حسب ظاهر، مخالف قواعد فقهی و اصولی باشد و از طرفی مستند دیگری برای

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم

بهار ۱۳۹۶

۱۴

فتوای مشهور از آیات و روایات و اجماعات نباشد، جز همین روایت ضعیف‌السند، در این صورت اطمینان و علم عرفی حاصل می‌شود که عمل مشهور به همین روایت بوده است. شاهد بر این مدعا، مطلبی است که محقق نائینی به آن اشاره کرده، مبنی بر تفصیل بین این که اگر فتوای مشهور، مخالف قواعد باشد و مستند دیگری جز روایت ضعیف نیز نباشد، در این صورت کشف می‌شود، عمل به روایت ضعیف شده است، ولی اگر موافق با قاعده باشد؛ این کشف حاصل نمی‌شود. در این صورت شهرت عملی هم جابر نخواهد بود؛ زیرا محتمل است مستند، همان قواعدی باشد که مطابق فتواست (نائینی، ۱۴۰۹ق، ۷۸۸/۴).

بنابراین صرف گزارش حدیث ضعیف‌السند در منابع روایی، دلیل بر عمل مشهور نیست، هر چند همه محدثان آن را نقل کرده باشند؛ زیرا ممکن است گزارش حدیث از باب مجادلّه و محاجّه باشد، یعنی مؤلف کتاب روایت را قبول ندارد، ولی برای مجادلّه و محاجّه با کسی که آن را قبول دارد، نقل کرده است و یا برای جمع‌بندی میان احادیث متعارض بوده و یا مؤلف در مقام جمع‌آوری احادیث بوده، اعمّ از حجت و غیر حجت؛ مثل صاحب بحار الأنوار که برخی از بزرگان نیز به این مطلب اشاره کرده و آن را قبول دارند. (حکیم، ۱۳۸۹ش، ۴۲۹/۱).

قاعده انجبار
ضعف سند با عمل
مشهور

۱۵

۲- ثبوت روایت ضعیف

موضوع قاعده جبر ضعف سند عبارت است از؛ وجود روایت ضعیف‌السند. بنابراین، اگر روایت ضعیف‌السند محرز نباشد، جبر ضعف سند منتفی است از باب انتفا به انتفای موضوع.

این مطلب هر چند واضح است، ولیکن یادآوری آن ضروری است؛ زیرا مواردی مشاهده می‌شود که فقیهی فتوایی می‌دهد با این که روایتی وجود ندارد، ولی گفته می‌شود شاید روایت ضعیف‌السند بوده است و فتوای فقیه کاشف از آن است. پس با این فتوا، آن روایت ضعیف، جبران ضعف سند شده و حجت می‌شود تا ما نیز براساس آن فتوا بدهیم.

این استدلال ناتمام است؛ زیرا جبران ضعف سند، فرع بر این است که روایت

ضعیف‌السند وجود داشته باشد و به صرف وجود فتوا نمی‌توان کشف کرد که روایت ضعیف بوده و عمل مشهور، هم کاشف از آن است و هم آن را حجّت می‌کند.

۳- وحدت فهم

از نگاه برخی از فقها، از جمله ارکان قاعده جبرِ ضعفِ سند، عبارت است از این که فهم ما نسبت به محتوا و مدلول روایت ضعیف موافق باشد با فهم مشهور از روایت (طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ۵۲۹/۹)؛ (حائری ۱۴۱۸ق، ۳۱)؛ (حکیم، ۱۴۲۵ق، ۲/۲۱۹)؛ (خمینی، ۱۴۱۸ق، ۳۲۹/۶).

در مقابل، بسیاری از فقها چنین ربطی را نپذیرفته‌اند، به این دلیل که قاعده انجبار ضعف سند، ربطی به محتوا ندارد؛ بلکه با سند و اعتماد بر آن مرتبط است. پس اختلاف در فهم محتوا، ضرری به جبران ضعف سند ندارد.

حقّ در مطلب: تفصیل براساس دو مسلک معروف وثوق مخبری و وثوق خبری است.

طبق مبنای اول، وحدت فهم شرط نیست؛ زیرا ملاک حجّیت روایت، توثیق روایات است و عمل مشهور، نوعی توثیق عملی روایات است و عمل مشهور، کاشف از این است که روایت با سند صحیح به آن‌ها رسیده و به ما نرسیده است، پس موافقت و یا مخالفت فهم ما از روایت، با فهم مشهور تأثیری ندارد؛ زیرا ملاک، توثیق روایات است. بر مبنای دوم، وحدت فهم شرط است؛ زیرا ممکن است آن‌چه را مشهور فهمیده‌اند در حصول اطمینان تأثیر داشته باشد، مثل این که موافق کتاب و یا سنت و یا عقل باشد و آن‌چه را ما می‌فهمیم، نه تنها موافق با کتاب و سنت و عقل نیست، بلکه چه بسا مخالف آن‌هاست. بنابراین، اگر مشهور مثل ما می‌فهمیدند، چه بسا اطمینان حاصل نموده و عمل نمی‌کردند.

۴- عدم تعارض دو شهرت

برخی از صاحب‌نظران، از جمله محقق نراقی، یکی از شرایط و ارکان قاعده جبرِ ضعف سند را، عدم تعارض دو شهرت عملی دانسته‌اند (نراقی، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۲۴). بنابراین اگر عده‌ای به روایت ضعیف عمل کنند و برخی از آن اعراض کنند، عمل

عده‌ای موجب جبران ضعف سند نمی‌شود.

از باب مثال، نسبت به وظیفه مجتهد در مورد روایات متعارض، اختلاف است. دسته‌ای از روایات دلالت بر تخیر مجتهد دارد. از این رو بخشی از محدثان و فقها قائل به تخیر شده و به مضمون این روایات که از نظر سند ضعیف‌اند عمل کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۲۴). و برخی دیگر از روایات، که از نظر سند ضعیف‌اند دلالت دارد بر رجوع به مرجحات که عده‌ای نیز به آن عمل کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۲۴).

پرواضح است، عمل بخشی از فقها به بخشی از یک روایت ضعیف، جابر ضعف سند نیست؛ زیرا با اعراض عده‌ای دیگر، تعارض میان دو شهرت عملی محقق می‌شود و در نتیجه وثوق به صدور خبر ضعیف منتفی و یا دست کم ضعیف می‌شود. پس جابر نخواهد بود؛ چون وثوق به صدور حاصل نشده و از طرفی توثیق روات هم وجود ندارد، پس بر اساس هر دو مبنا، موضوع جبر ضعف سند محقق نشده است.

حقیقت مطلب این که به نظر می‌رسد، این مدعا به اطلاّش ناتمام باشد؛ زیرا بر اساس هر یک از دو مبنا باید تفصیل داده شود؛ زیرا طبق مبنای وثوق سندی؛ یعنی توثیق روات و اگر اعراض را کاسر و موجب تضعیف روات بدانیم، این مطلب نیز صحیح است؛ زیرا توثیق عملی از سوی عده‌ای با تضعیف عملی عده‌ای دیگر تعارض می‌کند، و بعد از تساقط متعارضین نتیجه آن، عدم حجّیت روایت است.

و اما اگر اعراض مشهور را موجب وهن و ضعف سند ندانیم، در این صورت توثیق عملی به قوت خودش باقی است؛ زیرا هر چند عده‌ای اعراض کرده‌اند، ولی این اعراض مانع توثیق عمل عده دیگر، هر چند از نظر تعداد کمتر باشند، نمی‌شود. بر طبق این مبنا، شرط عدم تعارض وجهی ندارد؛ زیرا ملاک جبر ضعف سند، توثیق عملی است که با عمل عده‌ای محقق است و اعراض عده دیگر مانع این توثیق عملی نیست، چون اعراض، کار سند نیست.

و اما بر مبنای حجّیت خبر از باب وثوق خبری شرط، عدم تعارض تمام و صحیح است؛ زیرا با اعراض عده‌ای اطمینان به صدور روایت، منتفی و یا دست کم ضعیف می‌شود. پس موضوع جبر ضعف سند، محقق نیست.

مصادیق و قلمرو

در این قسمت، برخی از مصادیق و موارد توسعه روایت بر اساس هر یک از دو مبنا مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- عمل مشهور متأخران

شاید بتوان گفت؛ مقصود قائلان به جبران ضعف سند با عمل مشهور، شهرت متقدمان قبل از علامه حلی و محقق حلی است و شهرت عملی متأخران را جابر ضعف سند نمی‌دانند، جز آیت‌الله شاهرودی که نه تنها برای شهرت عملی متأخران اعتبار قائل است، بلکه آن را مقدم بر شهرت عملی متقدمان می‌داند و دلیل آن را دقت زیاد متأخران، نسبت به متقدمان می‌داند (شاهرودی، ۱۳۸۵ ش، ۳/۲۱۱).

قائلان قاعده جبر ضعف سند این مطلب را پذیرفته و مخالفتی با آن ندارند.

حقیقت مطلب: به نظر می‌رسد اطلاق این مطلب صحیح نباشد و باید تفصیل داده شود میان دو مبنای اساسی؛

الف- اگر ملاک جبر ضعف سند، تحصیل وثوق به صدور روایت از عمل مشهور باشد، یعنی مسلک وثوق خبری، در این صورت تفاوتی میان شهرت عملی متقدمان و متأخران نیست؛ زیرا هر چند از شهرت عملی متقدمان وثوق بیشتری حاصل می‌شود، ولی از شهرت عملی متأخران نیز وثوق حاصل می‌شود و در صورت حصول وثوق از شهرت عملی، خبر ضعیف حجّت است؛ چون فرض بر این است که ملاک حجّیت و عدم حجّیت خبر، حصول وثوق به صدور آن است.

ب- اگر ملاک جبر ضعف سند این باشد که عمل مشهور، توثیق عملی است نسبت به راویان ضعیف‌السند در این صورت طبق مبنای مشهور اهل رجال که توثیقات متأخران را حجّت نمی‌دانند، عمل آنها نیز جابر ضعف سند نیست، بلکه اگر توثیقات متأخران مانند توثیق متقدمان اعتبار داشته باشد، عمل مشهور متأخران نیز جابر ضعف سند خواهد بود.

۲- عدم وضوح مستند مشهور در عمل

یکی از شرایط قاعده جبر ضعف سند عبارت است از این که مستند و مدرک

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم

بهار ۱۳۹۶

۱۸

عمل مشهور معلوم نباشد، به عنوان نمونه، اگر مشهور، عملشان به روایت ضعیف از آن جهت که روایت موافق کتاب خداست و یا عملشان به روایت ضعیف از آن جهت باشد که از نظر رجالی راویان ضعیف در سند را موثق می‌دانند، مثل این که در موارد شک در وثاقت و عدم وثاقت راوی، قائل به اصالةالعدالة باشند، هر چند از نظر ما بر خطا و اشتباه باشند، در این موارد، با توجه به علم به مدرک و مستند عمل مشهور و علم ما به خطا و اشتباه آنها نسبت به مدرک، پرواضح است عمل مشهور، جابر ضعف سند نخواهد بود.

به عنوان مثال، روایات ضعیف‌السند بر برخی مستحبات و یا مکروهات دلالت دارد و از سوی دیگر، مشهور طبق آنها فتوا داده‌اند. با این وصف، بر فرض قبول کبرای کلی، جبر ضعف سند به عمل مشهور این روایات، برای ما حجت نخواهد بود و فتوا طبق آنها برای ما جایز نیست؛ زیرا ما می‌دانیم مستند مشهور به روایات ضعیف‌السند، قاعده تسامح در ادلة سنن است (همدانی، ۱۴۱۷ق، ۲/۳۵۷).

مثال دیگر: اگر مشهور به خبر ضعیف عمل کنند، از آن جهت که مخالف اهل سنت و یا موافق اصالةالاحتیاط است، خواهد بود و امثال این امور در این موارد، عمل مشهور جابر ضعف سند نیست. این مطلب صحیح بود و اشکالی بر آن وارد نیست.

قاعده انجبار
ضعف سند با عمل
مشهور

۱۹

۲- روایات مرسله و مقطوعه

قائلان به قاعده انجبار ضعف سند فرقی میان این که منشأ ضعف روایت، ضعف راوی و یا منشأ ضعف، مجهول بودن راوی و یا روایت مقطوعه و یا مرسله باشد، نگذاشته‌اند؛ زیرا ادله قاعده جبران ضعف سند، با عمل مشهور، اطلاق دارد و تمام این موارد را در بر می‌گیرد. از این رو، دیده نشده است که فقها نسبت به موارد فوق، تفصیل داده باشند.

ولی حقیقت مطلب تفصیل در آن است؛ زیرا اگر ملاک در جبر ضعف سند، حصول وثوق به صدور روایت باشد؛ مسلک وثوق خبری را پذیرفته‌ایم.

این مطلب صحیح است؛ زیرا همان گونه که عمل مشهور به روایت مستند ولی ضعیف، موجب وثوق به صدور است، عمل به روایت مرسله بدون سند و یا با سند مقطوعه هم، موجب وثوق به صدور است.

واگر ملاک و معیار در قاعده ضعف سند، وثوق مخبری باشد، از آن جهت که عمل مشهور توثیق عملی راوی ضعیف است، در این صورت، ادعای اطلاق ادله ناتمام است؛ زیرا توثیق راوی ضعیف، فرع بر این است که سندی باشد و با نبودن سند، نفی جبر ضعف سند از باب انتفا و نبودن موضوع عقلی است.

۳- روایات اهل سنت

برخی از فقها، از جمله صاحب جواهر بر این باورند که قاعده جبر ضعف سند اختصاص به روایات مضبوط در مصادر شیعی دارد و روایات وارده در کتب اهل سنت را شامل نمی‌شود، هر چند فقهای شیعه طبق آن‌ها فتوا داده باشند و از جمله فقهای که به این مطلب تصریح کرده‌اند، صاحب جواهر است و بسیاری از فقهای دیگر نیز از ایشان پیروی کرده‌اند.

ایشان دلیلی بر این مدعا اقامه نکرده است (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۰/۲).

حقیقت مطلب: مدعای صاحب جواهر صحیح نیست، مگر بر مبنای کسانی که معتقد باشند روایات اهل سنت قطعی‌الکذب است. پس امکان جبر ضعف سند در آن راه ندارد و پر واضح است که این مبنا باطل است. اولاً: بالوجدان روایاتی را مشاهده می‌کنیم که فقط از طریق اهل سنت نقل شده و با این وصف، علم و یا دست کم اطمینان به صدور داریم.

ثانیاً: اگر معلوم‌الکذب است، چرا فقهای شیعه در بعضی از موارد طبق آن عمل کرده‌اند یا بر مسلک وثوق خبری، یعنی از باب حصول وثوق به صدور از معصوم ع و یا از باب وثوق مخبری یعنی از باب وجود حجّت بر وثاقت راویان.

بنابراین به نظر می‌رسد، تفصیل میان روایات شیعی و سنی نسبت به جریان قاعده جبر ضعف سند ناتمام است و بر فرض قبول، کبرای کلی قاعده جبر ضعف سند، شامل روایات تسنن نیز می‌شود.

۴- جبر ضعف دلالت

قائلان به قاعده جبر ضعف سند، نسبت به این که آیا عمل مشهور افزون بر جبر

ضعف سند، سبب جبر ضعف دلالت نیز می‌شود، اختلاف کرده‌اند. بیشتر آن‌ها منکر نظر جبر ضعف دلالت‌اند و در مقابل برخی از بزرگانِ از فقها، بر این باورند که شهرت عملی، جابر ضعف دلالت نیز می‌باشد، از جمله صاحب جواهر و صاحب مصباح‌الفقیه (نجفی، ۱۳۶۷ق، ۴۳/۲ و ۱۴۴/۲)؛ (همدانی، ۱۴۱۷ق، ۴۰۶/۱ و ۵۱۰/۲ و ۱۸۱/۳)؛ (اصفهان‌ای، ۱۳۹۷ق، ۵۶۴).

حقیقت مطلب: باید صور مختلف جداگانه بررسی شود، زیرا شرایط در صور مختلف تفاوت می‌کند، به‌عنوان مثال:

صورت اول: اگر همان‌گونه که لفظ، نسبت به فقهای متقدم در معنایی ظهور داشته باشد، بر اثر عمل مشهور، برای متأخران نیز لفظ ظهور در همان معنایی پیدا می‌کند که مشهور فهمیده‌اند، در این صورت بی‌تردید، عمل و فهم مشهور از روایت، جابر ضعف دلالت هست؛ زیرا فرض بر این است که با مراجعه به فهم مشهور، صغرای ظهور با انضمام کبرای حجیت ظهور، محقق شده است، لذا حجیت ظهور تمام است و مورد بحث، نیز مصداقی از آن است و حجیت شامل آن نیز می‌شود؛ زیرا ادله حجیت ظهور که در اصول ثابت شده است، نسبت به این که منشأ تحقق ظهور لفظ در معنا، فهم و عمل مشهور باشد و یا راه‌های دیگر اطلاق دارد. در هر صورت می‌شود صغرای کبرای حجیت ظهور.

صورت دوم: اگر فقهای که به روایت ضعیف عمل کرده‌اند، دو حیث داشته باشند. الف - حیث فقاقت؛ از این حیث، فهم آن‌ها موجب ظهور لفظ در معنا برای غیر آن‌ها نشود، در نتیجه، عمل آن‌ها جابر ضعف دلالت نخواهد بود. ب - حیث ادیب و اهل لغت بودن، از این حیث، اگر قول لغوی و فهم و تفسیر آن‌ها از معنای الفاظ، موجب شود لفظ برای ما ظهور پیدا کند، در همان معنایی که آن‌ها فهمیده‌اند، باز هم عمل مشهور جابر ضعف دلالت است؛ زیرا فهم آن‌ها برای ما حجت است؛ چون مصداق و صغرای ظهور می‌شود و کبرای ادله حجیت ظهورات، شامل آن می‌شود.

صورت سوم: اگر رجوع به فهم و عمل مشهور مصداق هیچ‌یک از این دو صورت نباشد، عمل مشهور سبب جبران ضعف دلالت در نظر دیگران نمی‌شود. برخی از فقها به این مطلب تصریح کرده‌اند؛ از جمله شیخ انصاری و مرحوم آخوندخراسانی

(شیخ انصاری، ۱۴۲۷ ق، ۱/۲۹۱)، (آخوند خراسانی، ۱۴۳۲ ق، ۳۸۱). آنچه ملاحظه شد، نقد و بررسی برخی از مقومات و ارکان قاعده بود. در بخش بعدی به نقد و بررسی اصل قاعده می‌پردازیم.

مهمترین آثار

در این قسمت بر فرض صحت کبرای قاعده جبر ضعف سند با عمل مشهور، از صحت و بطلان ملاک‌هایی بحث می‌شود که عمل مشهور بر اساس آن‌ها جابر ضعف سند است و نیز آثار مهم آن ملاک‌ها. در این رابطه دو مسلک اساسی و محوری وجود دارد:

الف - مسلک حجیت خبر ثقه از باب وثوق مخبری.

ب - مسلک حجیت خبر از باب وثوق خبری.

مسلک اول: اما طبق مسلک اول، ملاک و معیار جبر ضعف سند با عمل مشهور یکی از امور چهارگانه ذیل است که هر کدام آثاری دارد.

ملاک اول: عمل مشهور از آن جهت که توثیق عملی راویان ضعیف سند حدیث است، حجت است و لو موجب اطمینان شخصی به صدور نباشد.

بنابراین، همان‌گونه که توثیق نجاشی نسبت به زراره موجب می‌شود که خبرش مصداق خبر ثقه و حجت باشد، همچنین عمل مشهور به روایتی که راویانش توثیق ندارد و یا حتی تضعیف دارند، موجب توثیق عملی آن‌ها می‌شود بلکه این توثیق به مراتب قوی‌تر است؛ زیرا نجاشی یک نفر است، ولی مشهور تعدادشان بیشتر است. طبق این ملاک آثاری مترتب می‌شود، از جمله:

۱- یکی از نتایج مهم این مطلب که یک دگرگونی در دانش رجال بوجود می‌آورد، این است که اگر در سند روایت، از باب مثال: پنج نفر راوی ضعیف داشته باشد، با این توثیق عملی تمامی آن‌ها موثق می‌شوند، به گونه‌ای که اگر در سند روایات دیگر واقع شوند، موثق‌اند، هر چند مشهور به آن روایت دیگر عمل نکرده باشند. در نتیجه به‌طور مثال، اگر به یک روایت ضعیفی که محمد بن سنان در آن است و با عمل مشهور جبر ضعف سند می‌شود، در ده‌ها و صدها روایت دیگر که به‌خاطر ضعف

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم
بهار ۱۳۹۶

۲۲

محمد بن سنان رد شده است، با عمل مشهور به یک روایت، روایات دیگر نیز معتبر می‌شوند؛ چون محمد بن سنان توثیق عملی پیدا می‌کند.

این نتیجه بزرگی است و جای تعجب این است که فقها - حتی قائلان به این قاعده - این بحث و ثمره را مطرح نکرده‌اند، تا چه رسد به این که در علم رجال این روش به عنوان روشی برای توثیق رجال حدیث به‌شمار بیاید. دور نیست که عدم تعرض این ثمره شاهد باشد بر این که فقها این ملاک را قبول نداشته باشند.

۲- نتیجه دیگر، اگر ملاک جبر به عمل مشهور از باب توثیق عملی باشد، شامل مواردی که رجال حدیث و یا بعضی از آن‌ها شهادت بر کذب و فسق داشته باشند، نمی‌شود؛ زیرا در این صورت میان شهادت عملی بر توثیق با شهادت بر کذب و فسق تعارض می‌شود و تساقط می‌کنند و نوبت به عدم حجیت روایات این راوی می‌رسد. بنابراین، قاعده مختص به مواردی است که ضعف راوی ناشی باشد از عدم توثیق، نه تضعیف راوی.

۳- بنابراین مسلک، لازم نیست مشهور به خبر ضعیف عمل کند؛ بلکه اگر عده‌ای حتی اگر چند نفر هم عمل کنند جبر ضعف سند محقق می‌شود چون ملاک توثیق عملی است. مگر کسی بگوید عمل مشهور وقتی توثیق عملی است که همراه با قراین مختلفی باشد که منضم با روایت است و صرف عمل، بما هو عمل، توثیق عملی نیست. **اشکال:** قائلان به جبران ضعف سند به عمل مشهور، به هیچ‌یک از این سه ثمره ملتزم نمی‌شوند، پس به‌خاطر این تالی فاسد، نمی‌توان ملاک جبر ضعف سند را توثیق عملی بدانیم.

ملاک دوم: حجیت خبر ثقه دایر مدار این است که کاشفیت از واقع دارد، هر چند کاشفیت ناقصه و عمل مشهور به خبر ضعیف، سبب می‌شود این کاشفیت ناقصه را که ملاک حجیت خبر ثقه است، ایجاد کند. از این رو برخی از بزرگان از جمله محقق خراسانی بر این باورند که ادله حجیت خبر ثقه، شامل خبر ضعیفی که مشهور به آن عمل کرده‌اند می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۳۲ق، ۳۸۱).

اشکال: این سخن در صورتی صحیح است که ما ملاک حجیت خبر ثقه را صرف کاشفیت از واقع احراز کنیم درحالی که چنین احرازی مشکل است؛ زیرا احتمال عقلایی داده می‌شود که حصول ظن از خبر عادل و ثقه ملاک حجیت باشد.

به عبارت دیگر، ظنّ حاصل از خبر عادل، موضوعیت دارد؛ زیرا شارع قصد دارد در جامعه، عشق و علاقه به عدالت و وثاقت را در راه و روش زندگی مردم ایجاد کرده و جامعه را به آن سمت و سو تشویق کند.

از این رو، بزرگانی مانند شیخ انصاری می‌فرماید: هر خبری را که افاده ظن کند و کاشف از واقع باشد حجت نیست، از باب مثال خبری که راویان آن اهل سنت باشند، هر چند از نظر افاده ظن کمتر از خبر ثقه شیعی نیست، با این وصف حجت نیست (شیخ انصاری، ۱۴۳۲ق، ۱/۲۹۱).

ملاک سوم: عمل مشهور از آن جهت جابر ضعف سند است و خبر ضعیف را حجت می‌کند که بر اساس منطوق آیه نبأ، عمل به خبر فاسق پس از تبیین، حجت و جایز است: ﴿إِنْ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات/۶). و عمل مشهور به خبر ضعیف، مصداق تبیین است. بنابراین، خبر ضعیف پس از عمل مشهور به آن، مصداق خبر فاسقی که از آن تبیین شده است، می‌شود، در نتیجه، طبق مدلول آیه حجت است. از جمله فقهای که به این مطلب تصریح کرده‌اند، محقق نائینی است (محقق خویی، ۱۴۰۳ق، ۴۷/۱۶۷).

اشکال مطلق تبیین، موجب حجیت خبر ضعیف و فاسق نمی‌شود، بلکه تبیینی موجب حجیت خبر فاسق و ضعیف می‌شود که موجب علم و اطمینان شخصی به صدق باشد. اما اگر تبیین موجب اطمینان به صدور نباشد و یا اگر موجب اطمینان است، اطمینان شخصی نیست، بلکه نوعی است که موجب جبر ضعف سند نیست؛ زیرا این اطمینان نوعی دلیلی بر حجیت ندارد.

ملاک چهارم: در جبران ضعف سند روایت ضعیف به عمل مشهور اجماع است، یعنی فقها اجماع کرده‌اند بر جبران ضعف سند. اشکال این وجه روشن است؛ به دلیل **اول:** اشکال صغروی دارد؛ زیرا اصل اجماع قطعی نیست، و قاعده جبر ضعف سند با عمل مشهور از عصر شیخ طوسی به بعد مطرح شده است نه قبل از آن؛ پس اجماع محقق نمی‌باشد.

دوم: اشکال کبروی دارد؛ زیرا بر فرض قبول اجماع، اگر نگوییم قطعاً مدرکی است، دست کم محتمل المدرکی است.

مسلک دوم: حجیت خبر بر اساس حصول اطمینان به صدور روایت ملاک جبر ضعف سند بر این مسلک عبارت است از این که، عمل مشهور سبب می شود تا ما اطمینان به صدور پیدا کنیم؛ زیرا خیلی بعید است که تمامی فقها به روایتی عمل کنند و تمامی آن‌ها در اعتماد و عمل به آن اشتباه کرده باشند. آیا این ملاک برطبق این مسلک صحیح است؟ حق این است که فی الجمله صحیح است، ولی نه به عنوان یک قاعده کلی.

با توجه به این که عمل مشهور به روایت همراه با قراین مختلف زمانی، مکانی، مقالی است و با توجه به این که فهم ما با فهم قدما نسبت به مضمون روایات مختلف است و ما با قدماء در بسیاری از روش‌های استنباط اختلاف داریم و از سوی دیگر، دقت متأخران از فقها از دقت متقدمان بیشتر است، به همین جهت، بزرگانی مانند: آیت‌الله شاهرودی معتقد است، شهرت عملی متأخران حجت است، اما شهرت عملی متقدمان حجت نیست. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم؛ عمل مشهور همیشه موجب اطمینان ما به صدور روایت می‌شود و چه بسا عمل مشهور یکی پس از دیگری به نحو تقلید بوده باشد. همان‌طور که، تاریخ فقه از شیخ طوسی به بعد بهترین شاهد بر این مدعاست. پس چگونه عمل یک یا چند فقیه متقدم، به روایت ضعیف، موجب اطمینان به صدور آن می‌شود. با توجه به مسائلی که بیان شد، اگر نگوییم عمل مشهور فقهای متقدم، موجب اطمینان به صدور روایت نیست، دست کم شک حاصل می‌شود. ممکن است گفته شود، عصر فقهای متقدم نزدیک به زمان ائمه: بوده است. این سبب می‌شود تا عمل آن‌ها به خیر ضعیف، تأثیر به‌سزایی در حصول اطمینان به صدور داشته باشد.

در پاسخ گفته می‌شود:

نخست: در اصل عمل مشهور فقهای متقدم به خیر ضعیف، تردید وجود دارد.

دوم: بسیاری از قائلان به حجیت شهرت عملی، فقهای متقدم به شهرت عملی

فقه‌های متأخران بی‌اعتنا هستند. با این بیان که اجتهادی است همین اشکال ممکن است به شهرت عملی فقه‌های متقدم نیز وارد باشد؛ زیرا عنصر اجتهاد در عصر فقه‌های متقدم هر چند به شدت عصر ما نبوده است، لکن جایی برای انکار اصل اجتهاد نیست. شاهد بر این مدعا، رجوع به کتاب‌های حدیثی محدثانی چون: کلینی، صدوق و شیخ طوسی است که همراه با اظهار نظر و اجتهاد است. بنابراین، حصول اطمینان از عمل آنان به صدور روایت مشکل است.

اما استدلال عده‌ای از بزرگان نسبت به حجیت عمل مشهور فقه‌های متقدم، از جمله مرحوم بروجردی مبنی بر این که کتاب‌های فقهی آن‌ها، بی‌هیچ تغییر و اعمال نظری، متن عبارت روایات بوده است، بنابراین عمل آن‌ها به دور از اجتهاد و اعمال نظر است. پس حجت می‌باشد (حسینی جلالی، ۱۳۷۸ ش، ۳۸۴).

به نظر می‌رسد این استدلال برای حجیت شهرت عملی متقدمان، ناتمام باشد؛ زیرا دست بالای این بیان عبارت است از این که آن‌ها روایاتی را به شکل مرسل در کتاب‌های فقهی نقل کرده‌اند و بر اساس آن عمل و فتوا داده‌اند. پس روایت مرسل و غیر حجت است.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم
بهار ۱۳۹۶

۲۶

بحث صغروی

آن‌چه گفته شد، بحث اشکالات کبروی از قاعده جبر ضعف سند به عمل مشهور بود و ثابت شد که بر مبنای وثوق مخبری و وثوق خبری نتیجه در هر دو مقام عدم جبر ضعف سند به عمل مشهور است.

صرف نظر از اشکالات کبروی، برخی از بزرگان، بر این قاعده اشکالات صغروی نیز گرفته‌اند از جمله: مرحوم خوئی که بر این باور است که کتاب‌های فقهی فقه‌های صدر اول استدلالی نبوده بلکه شبیه رساله‌های عملیه عصر ما بوده است. بنابراین نمی‌توانیم احراز کنیم فقیه صدر اول به چه روایتی اعتماد کرده و به چه روایتی اعتماد نکرده است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ۳۹/۷).

به نظر می‌رسد این فرمایش هر چند فی‌الجمله صحیح است اما کلیت ندارد؛ زیرا برای احراز استناد لازم نیست، از سوی فقها تصریحی شده باشد؛ بلکه همین مقدار

که بر اساس آن فتوا داده باشند و روایت و مستند دیگری وجود نداشته باشد اطمینان حاصل می شود. مستند آن روایتی است که در کتاب آمده است و از سوی دیگر به قول آیت الله سیستانی، در عصر فقهای اول نیز کتابها استدلالی بوده است. مثل کافی و من لایحضره الفقیه و برخی از کتابهای سید مرتضی (سیستانی، با تقریر ربانی، ۱۴۳۷ق، ص ۲۷۶). بنابراین، در مقام استدلال می توان فهمید، مستند عمل مشهور، روایت ضعیف بوده است یا نه؟

نتیجه گیری

به نظر می رسد آنچه به صواب نزدیک تر است، قول به تفصیل است:

الف - عمل مشهوری کاشف از قراین حالیه و مقالیه ای است که موجب اطمینان و علم به صدور روایت از امام معصوم علیه السلام است. در این صورت روایت معتبر است نه از باب این که عمل مشهور توثیق عملی رجال سندی باشد، مانند این که اگر روایت مورد عمل مشهور در روایات دیگر هم باشند، روایت معتبر است هر چند مشهور به آن عمل نکنند.

ب - اگر عمل مشهور کاشف از قراین حالی و مقالی موجب اطمینان به صدور نباشد، روایت حجت نخواهد بود؛ زیرا افزون بر ضعف ادله قائلان به جبر ضعف سند، التزام به لوازم آن مشکل است.

قاعده انجبار
ضعف سند با عمل
مشهور

۲۷

منابع:

قرآن کریم.

۱. اشتهاردی، شیخ علی پناه، (۱۳۸۲ش)، مدارک العروة، مطبعة مهر، ایران، قم.
۲. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۳۹۷ق)، وسیلة الوصول، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية، لبنان، بیروت.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۲۹ق)، کفایة الأصول، مؤسسة النشر الإسلامی الطبعة الخامسة، قم.
۴. حائری، مرتضی، (۱۴۱۸ق)، کتاب الخمس، تحقیق شیخ محمد حسین امرالهی، مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الأولى.
۵. حسینی جلالی، سید محمد رضا، (۱۳۷۸ش)، المنهج الرجالی و العمل الرائد، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۶. حکیم، سید محسن، (۱۳۸۹ش)، مستمسک العروة الوثقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الثالثة.
۷. حکیم، محمد، (۱۴۲۵ق)، مصباح المناهج، دارالهلال، ایران، قم چاپ اول.
۸. خمینی، سید مصطفی، (۱۴۱۸ق)، تحریرات فی الأصول، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، مطبعة مؤسسة العروج، الطبعة الأولى، قم.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، مصباح الفقاهة، انصاریان، قم.
۱۰. — (۱۴۰۳)، موسوعة الخوئی، مؤسسة الخوئی الإسلامیه، الطبعة الرابعة المطبوعه نیوی.
۱۱. سبحانی، جعفر، (۱۴۰۶ق)، مقدمه المهدب لقاضی ابن البراج، مؤسسة الشهداء، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۲. سیستانی، سید علی، (۱۴۳۷ق)، مباحث الحجج، بقلم سید محمد علی ربانی، تقریرات سید علی سیستانی، چاپ اول.
۱۳. شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۹ق)، کتاب الخمس، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الإسلامی، الطبعة الثالثة، ایران، قم.
۱۴. شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۵ق)، نتائج الأفكار فی الأصول، تقریر سید محمد جعفر جزایری، ناشر آل مرتضیٰ عیاشی، قم.
۱۵. شیخ انصاری، (۱۴۲۷ق)، فرائد الأصول، مجمع الفكر الإسلامی، ظهور، قم.
۱۶. طباطبائی، سید علی، (۱۴۱۹ق)، ریاض المسائل، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم.
۱۸. عاملی، حسن بن زین الدین (۱۴۱۷ق)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۱۷ش)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، تهران.
۲۰. نائینی، محمد حسین، (۱۴۰۹ق)، فوائد الأصول، تقریرات درس نائینی، تقریر محمد علی کاظمی، محقق: رحمتی اراکی، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۱. نحفی، محمد حسن، (۱۳۶۷ق)، جواهر الکلام، تصحیح و تحقیق و تعلیق محمود قوچانی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ سوم.
۲۲. نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۸ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، مشهد، الطبعة الأولى.
۲۳. وحید بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۱۵ق)، الفوائد الحائریه، قم، چاپ اول.
۲۴. همدانی، رضا، (۱۴۱۷ق)، مصباح الفقیه، دار الأسوة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى، طهران.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال سوم، شماره پیاپی ششم
بهار ۱۳۹۶